

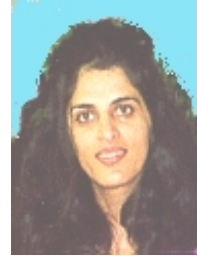
### دخالت فعال زنان ضامن به شکست کشاندن مضحکه انتخابات رژیم است

کشیده شد، نان شب کارگران همچنان در گروگان است، لفت و لیسشان را کردند، مردم را ولی به تباهی کشاندند، به کجای این کارنامه سیاه قرار است مردم رای بدهند؟ سران همه جناحهای رژیم دیگر انکار نمیکند که در این مضحکه انتخابات، حفظ و بقا رژیم نقطه مشترک همه آنهاست. این نمایش مضحک باید و میتواند از سوی مردم تحریم و با مقابله فعال علیه حکومت به شکست آنها منجر شود، این فقط شکستی در تهران و اصفهان و سنندج نیست، این شکستی است سراسری در کل ایران و در انظار همه

صفحه ۲

تلاشی کامل است. مردم انتخابشان را مدتهاست کرده اند، این رژیم باید گورش را گم کند، این حکومت باید با کل دستگاه خفقان و سرکوب مذهبی اش به گور سپرده شود، این است انتخاب مردم! جمهوری اسلامی را مردم با خاتمی و بدون خاتمی تجربه کرده اند، دوم خرداد عمر خود را کرده است، در این چهارسال هم مردم سرکوب شدند، فقر و محرومیت ابعادی گسترده تر پیدا کرد، زنان سنگسار شدند، تجمعات مردم به خون

جانی، دویا سه معمم یا مکلائی مرتجع را جلوی مردم بگذارند، تا این بار ولی بین بدتر و بدتر انتخاب کنند. خودشان صفوفشان آنقدر در هم ریخته است که جرئت ندارند برای این باخت مسلم و در جلو چشم مردم روی یک نفر سرمایه گذاری کنند. این روز روزماست، روز نشان دادن قدرت مردم علیه کل این حکومت است، روز به هم ریختن بیشتر صفوف دشمنان مردم و روز نزدیک شدن سرنگونی این رژیم و هل دادن کل آنها به سمت



مهرنوش موسوی

جمهوری اسلامی ازهم اکنون و در آستانه این شوی اسلامی، به عجز و لابه و گدایی روی آورده است، اسم این نمایش مسخره را انتخابات گذاشته اند. قرار است دوباره دویاسه نفر

### انتخابات؟؟!!

صفحه ۴

### مصاحبه با عبدالله دارابی

صفحه ۴

### طول موج جدید رادیو انترناسیونال

هر شب

۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه

بوقت تهران

۲۵ متر برابر با

۱۱۶۳۵ کیلوهرتز

تلفن:

۰۰۴۴ ۷۷۱ ۶۶۱ ۱۰۹۹

مرکز اطلاعات و پیامگیر

۰۰۴۴ ۲۰۸ ۹۶۲ ۲۷۰۷

### اطلاعیه شورای کادرهای تشکیلات کردستان حزب کمونیست کارگری ایران آنچه "حلقه به گوشان طالبانی" باید بدانند

صفحه ۳

### سردمداران یک پروژه فالانژیستی هذیان میگویند

#### درباره اطلاعیه اخیر دارودسته ایلخانی - مهتدی

که همگان از آن آگاهند. افشاگری سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران و رو شدن بند و بست های پنهانی مهتدی و ایلخانی و گرفتن پول و امکانات از اتحادیه میهنی باعث شد که این دارودسته نتوانند پروژه خود را مخفیانه و در

صفحه ۲

طریق به مسیر "دیالوگ" با خاتمی و جمهوری اسلامی بکشانند. دخالت مستقیم اتحادیه میهنی، شخص طالبانی و دوست نزدیک او صلاح مهتدی در طرح و تدارک این پروژه، در تامین مالی، فنی، سیاسی و دیپلماتیک پروژه، از طریق عبدالله مهتدی و عمر ایلخانی زاده امروز دیگر حقایق برملا شده ای است

منجر به رو شدن دستشان شده نیست. این وحشت باخت است. کسانی که اینها را از نزدیک میشناسند با این روحیه آشنا هستند. طی چندین سال گذشته این دارودسته در تلاش و توطئه بودند تا کومه له را یکسر به منجلاب ناسیونالیسم کرد، به دنبالچگی جریان رسوای طالبانی و از آن

اطلاعیه اخیر کمیته مرکزی باند ایلخانی- مهتدی در مورد حزب کمونیست کارگری ایران و کومه له انزجار و نفرت وسیعی را در میان همه انسانهای شرافتمند و احزاب و جریانات آزادیخواه برانگیخته است. هدف این اطلاعیه و مزخرفات مندرج در آن چیزی جز پوشاندن وحشت این جماعت منحط از بحث های سیاسی که

### ایسکرا

سردبیر: ایرج فرزاد

iraj\_farzad@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۳۶۸۸۵۱۱

فکس: 00448701687574

آدرس:

K.F.K.S

Box 15203

104 65 Stockholm

پست گيرو: ۱۶۷۸۴۷۱-۲

### آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## یک دنیای

بهرتر،

پروانه

حزب

کمونیست

کارگری

را

بخوانید!

جماعت در مورد فعالیت در کردستان جز تمسخر و تحقیر شایسته هیچ چیز نیست. اینها بهتر است بفرکر این باشند که طالبانی نشان را قطع نکنند. رسوائی، نفرت و انزوا چیزی است که در انتظار اینهاست. ما این را تضمین میکنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۰ -  
۱۸ مه ۲۰۰۱

### کمیته کردستان

رحمان حسین زاده

(دبیر کمیته)

email:

r\_hoseinzadeh@yahoo.com

Tel:

0046 739 855 837

کافی است اسامی رهبران و شخصیت های حزب کمونیست کارگری را که با این الفاظ مورد فحاشی قرار داده اند ذکر کنند تا واکنش سزاوار خود را از مردم ببینند. مسخره تر از این فحاشی جبهه، اظهار لحنه باند مهتدی ایلخانی در باب محکوم کردن "باز کردن مجدد پای" کمونیسم کارگری "به جنبش کردستان" است!! تا آنجا که به مبارزات کارگران و مردم آزادیخواه کردستان در همه عرصه های سیاسی و اجتماعی بر میگردد، جامعه کردستان دیری است که مهر کمونیسم را بر خود دارد و نفوذ گسترده و بالفعل کمونیسم کارگری آن حقیقت مسلمی است که سالهاست خواب از چشم ارتجاع سیاسی کردستان، و از جمله همین جماعت، ربهوده است. شکر شکنی های این

## سردمداران یک پروژه فالانژیستی...

درون کومه له پیش ببرند. آنها حتی به گروگانگیری از کنگره کومه له، وارد کردن فشار مستقیم شخص طالبانی بر رهبری کومه له و کنگره سازمانی آن و تهدید این تشکیلات با اتکا به نیروی مسلح طالبانی ابا نکردند. در آخر به یمن دخالت وسیع حزب کمونیست کارگری ایران و کادراهی تشکیلات کردستان آن در این مناقشه، آنها با نیروی کوچکی از کومه له جدا شدند.

به این ترتیب جست و خیز باند مهتدی ایلخانی در پناه اتحادیه میهنی و ربودن نام "کومه له" و براه اندازی یک سازمان راست ارتجاعی ناسیونالیست ضد کمونیست از همان آغاز مهر شکست و رسوائی را بر خود داشت

در پایان لازم است به این دارودسته تذکر داده شود که برای آزمایش درجه رسوائی خود در میان مردم

## دخالت زنان...

مردم دنیا!  
با تحریم این کارناوال اسلامی و مقابله فعال با آن نه فقط پرونده دوم خرداد بسته خواهد شد، بلکه کل حکومت به ذلت و خواری خواهد افتاد، به روزنامه هایشان نگاه کنید! مبارزه انتخاباتی را فراموش کرده اند، دارند آرا مردمی را که در این مضحکه شرکت نخواهند کرد شمارش میکنند.

از همین امروز و تا روز ۱۸ خرداد مردم باید فعالانه برای دست زدن به یک عمل یکپارچه بسیج شوند، باید همگی با هم هم پیمان شوند که در این نمایش مضحک حتی برای دادن رای سفید و یا نوشتن شعار روی برگه های انتخاباتی شرکت نخواهند کرد، رسماً و علناً اعلام کنند این انتخابات نیست، بساطتان را جمع

در ایران است، این را حتی خود این جانان هم میدانند. این قدرت عظیم باید سایه وحشت را بر سر سران این رژیم کثیف بگستراند. جنبش زنان در کردستان در طی سالهای اخیر نقش بسیار مهمی در رویارویی با رژیم اسلامی بازی کرده است، جنبشی که روز جهانی زن را امسال با قدرت و جسورانه برگزار کرد، جنبشی که در تمامی پیشرویهای سیاسی جنبش سرنگونی طلبانه مردم وجودش غیرقابل انکار است از توان و ظرفیت بالایی برای دخالت امروز در سرنوشت به شکست کشاندن انتخابات رژیم برخوردار است. نیروی خود را به میدان بیاورید، به هر شکل و نحو ممکن روز ۱۸ خرداد را به روز شکست مفتضحانه کل این حکومت بدل کنید!

\*\*\*

جنايتكارانه آنها را روکنند، مردم را به عمق وحشیگری این رژیم و همه اعوان و انصارش متقاعد و دعوت به مقابله جدی و فعال کنند، حجاب اجباری، نزدیک به ۱۰۰ فقره سنگسار تحت حکومت همین خاتمی، بی حقوقی سیاسی زن در همین به اصطلاح انتخابات، ترویج فرهنگ ضد زن اسلامی از طریق بلندگوهای خود این رژیم در روز روشن، بی حرمتی به شخصیت و حقوق زنان در ایران در بیان این حکومت است و همین برای سرنگونی یک حکومت در دنیای امروز دلایلی بسیار محکم و کافی است!

دخالت فعال زنان میتواند چنان رنگی به اوضاع سیاسی حاضر بزند که هیچ گونه تغییری، هیچ گونه تحرک سیاسی حتی از بالا بدون تعیین تکلیف با حقوق زن در این جامعه مقدور نباشد. جنبش برابری طلبانه زنان یک پای تغییر قدرت سیاسی

است، این رژیم در هر قدم خود مهر بی حقوقی زن و تحقیر و بی حرمتی به زن را کوبیده است. خود این حکومت باتکیه به اسلام و قوانین اسلامی، با حجاب و پدوفیلیسم اسلامی پیشاپیش زنان را به مقابله فراخوان داده است. باید و میتوان که در همه جا علیه این رژیم و بویژه ورشکستگان دوم خردادیشان افشاگریهای پرشوری کرد، کارنامه دوم خرداد و خاتمی راروکرد، و همه جا اثبات کرد که رسالت خاتمی و دو خرداد جز برای حفظ تمام بساط اسلامیت رژیم و تداوم بیش از بیست سال خفقان و ترور اسلامی نبوده است.

زنان نباید در این روز ساکت بنشینند، اگر قرار است کاندیداهای رژیم اسلامی از کارنامه هایشان بگویند، از برنامه های آتی شان بگویند، در هر تجمعی زنان باید کارنامه سپاه و

کنید.  
در این کارزار سیاسی علیه انتخابات رژیم زنان میتوانند نقش بسیار مهمی ایفا کنند، از هم اکنون و تا روز انتخابات و در جریان انتخابات. زنان در محلات، در کارخانجات، در مدارس میتوانند به حکم موقعیت خود علیه این رژیم و با ادعانامه مقابله با بی حقوقی زنان در این کارزار سیاسی علیه انتخابات و برای تحریم و به شکست کشاندن آن نقش ایفا کنند، انتخابات در رژیمی که بیش از بیست سال است رسماً و عملاً بساط یک آپارتاید اسلامی را با ضرب قمه و چاقو و پنجه بکس و عربده کشی ارادل حزب الهی، پهن کرده است، پیشاپیش محکوم و باید به شکست کشانده شود.

زنان و جنبش برابری طلبانه زنان یک رکن مهم تحولات سیاسی امروز و آتی ایران

## آنچه " حلقه به گوشان طالبانی " باید بدانند

در روزهای اخیر باند ایلخانی - مهتدی با هذیان‌ات و پرت و پلاگویی علیه حزب کمونیست کارگری و منصور حکمت، رهبر جنبش کمونیسم کارگری و حزب ما، حقارت و دستپاچگی خود، و در عین حال خصلت باند سیاهی - فاشیستی و حلقه به گوش خود نسبت به جلال طالبانی را یک بار دیگر عریان کرده‌اند. تکرار مزخرفات اطلاعات جمهوری اسلامی و راه توده به حد کافی معرف شخصیت حقیر سردمداران این باند و افشاگر موقعیت سیخف و فجیعی است که اینها در پناه تفنگچی‌های اتحادیه میهنی برای خود دست و پا کرده اند.

هنگامی که ده سال پیش در مقطع جدائی از حزب کمونیست ایران، بخش اعظم رهبری و کادرها و اعضای باسابقه حزب کمونیست ایران و کومه له، و از جمله ما، خط سیاسی کمونیسم کارگری به رهبری منصور حکمت را انتخاب کردیم و آنها را با ناسیونالیسمشان و "دوستان اتحادیه میهنی"شان تنها گذاشتیم، برایمان روشن بود که چه مسیر ارتجاعی ای را در پیش گرفته اند و کارشان به کجا خواهد کشید. اسناد مکتوب آن دوره و رفتار و گفتار امروز این دارودسته، روشن تر از هر استدلالی، اثبات کننده صحت ارزیابی ما و حقانیت پیش بینی های سیاسی جریان ماست. اگر پس از اینهمه سال هنوز سردمداران این باند از درک این واقعیت سیاسی عاجزند، این نه فقط نشان دیگری از خودبینی حقیرانه و کینه توزی بشدت عقب مانده

شان، بلکه در عین حال نشانه‌دهنده نقشی است که سرانجام اینها در اردوی ارتجاع سیاسی کردستان، آگاهانه برای خود برگزیده اند.

سردمداران این باند، از واقعیات جدید جامعه کردستان هراس دارند از گسترش روزافزون کمونیسم کارگری و عجین شدن آن با مبارزات کارگران، زنان و جوانان و مردم آزادیخواه، محبوبیت وسیع منصور حکمت و نفوذ توده ای و شمار کثیر کادرهای حزب کمونیست کارگری در کردستان به وحشت افتاده اند. از این روست که چشمشان را بسته اند و خزعبلات جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران را تکرار میکنند.

ما امضاء کنندگان زیر که با پشتوانه دو دهه مبارزه کمونیستی در کردستان، در "شورای کادرهای تشکیلات کردستان حزب کمونیست کارگری ایران" متشکل شده ایم، اعلام میکنیم که این واقعیات را به آنها میفهمانیم. ما اطمینان میدهیم که در کردستان نقش و موقعیت دست راستی و ارتجاعی این دارودسته را افشا میکنیم، سردمداران رسوای این باند را رسواتر و ماهیت فاسد و فاشیستی شان را عریان تر میکنیم. ما تضمین میکنیم که در هر شهر و شهرک و کوی و برزن کردستان، هرگاه ابراز وجودی بکنند، لوحه "باند سیاه حلقه به گوش طالبانی" را به گردنشان آویزان خواهیم کرد.

اول خرداد ۱۳۸۰  
۲۲ مه ۲۰۰۱

### اعضای شورای کادرهای تشکیلات کردستان حزب کمونیست کارگری ایران:

- ۱- اسد گلچینی
- ۲- حسین مرادیگی (حمه سور)
- ۳- آذر مدرسی
- ۴- ایرج فرزاد
- ۵- رحمان حسین زاده
- ۶- محمد آسنگران
- ۷- محمد فتاحی
- ۸- اسد نودینیان
- ۹- فاتح شیخ الاسلامی
- ۱۰- مظفر محمدی
- ۱۱- هلاله طاهری
- ۱۲- مجید حسینی
- ۱۳- عبدالله دارابی
- ۱۴- خالد حاج محمدی
- ۱۵- صلاح ایراندوست
- ۱۶- عبدالله شریفی
- ۱۷- علی عبدالی
- ۱۸- صالح سرداری
- ۱۹- فهیمه قطبی
- ۲۰- گلاویژ قادر نژاد
- ۲۱- یدی کریمی
- ۲۲- مینا احدی
- ۲۳- نسرین رمضانعلی
- ۲۴- نسان نودینیان
- ۲۵- جلال برخوردار (کاکای فرج)
- ۲۶- گلپاخ سلیمی
- ۲۷- طه حسینی
- ۲۸- هاشم ترکمن
- ۲۹- حبیب عبدلهی
- ۳۰- سیوان رضایی
- ۳۱- منصور فرزاد
- ۳۲- محمد فضل
- ۳۳- محمود محمد زاده (محمود سیسیری)
- ۳۴- رسول بناوند
- ۳۵- پروین کابلی
- ۳۶- سلیمان قاسمیانی
- ۳۷- اسماعیل مولودی
- ۳۸- عبدالله اسدی
- ۳۹- مجید فرجیان
- ۴۰- رحیم یزدانپرست
- ۴۱- سعید غفاری
- ۴۲- عذرا آدمی (آباجی)
- ۴۳- ابوبکر شریف زاده
- ۴۴- حیدر خدری
- ۴۵- اسماعیل ویسی
- ۴۶- رضا کمانگر
- ۴۷- عبدل گلپریان
- ۴۸- مختار محمدی
- ۴۹- حیدر گویلی
- ۵۰- عمر کریمی
- ۵۱- حسن ساوجبلاغی
- ۵۲- یدی محمدی
- ۵۳- صادق زندی
- ۵۴- سلیمان سیگارچی
- ۵۵- همایون گدازگر
- ۵۶- ایرج فرجاد
- ۵۷- عبدالله صید مرادی
- ۵۸- محمد راستی
- ۵۹- صالح خضری
- ۶۰- رزگار رضایی
- ۶۱- خالد علی پناه
- ۶۲- پروین معاذی
- ۶۳- جلال محمود زاده
- ۶۴- علی مطهری
- ۶۵- آوات شریفی
- ۶۶- شه می حکیمی
- ۶۷- بهمن خانی
- ۶۸- سعید یگانه
- ۶۹- محمد یگانه
- ۷۰- طاهر شعبانی
- ۷۱- محمدامین کمانگر
- ۷۲- ساکار احمدیان
- ۷۳- صالح گویلی
- ۷۴- جمال خسروی
- ۷۵- زرتشت احمد زاده
- ۷۶- مهرنوش موسوی
- ۷۷- پرشنگ بهرامی
- ۷۸- شهناز مرتب
- ۷۹- ثریا خضری
- ۸۰- کمال رضایی
- ۸۱- محمد جعفری (میانه)
- ۸۲- سعید قادریان
- ۸۳- جمال کمانگر
- ۸۴- سیاوش مدرسی
- ۸۵- غفار غلام ویسی
- ۸۶- داریوش نیکنام (علی کرمانشاه)
- ۸۷- صالح فلاحی
- ۸۸- اسد حیدری
- ۸۹- حامد خاکی
- ۹۰- محمود سلیمی
- ۹۱- کاوه صدری پور
- ۹۲- بهرام مدرسی
- ۹۳- جواد اصلانی
- ۹۴- سهیلا شریفی
- ۹۵- نظیره معماری
- ۹۶- علی آقا بیگ زاده (فواد)
- ۹۷- جلیل رضایی
- ۹۸- ابوبکر قادری (سردار نگلی)
- ۹۹- فریده آقاجانی
- ۱۰۰- ابراهیم باتمانی (شیروانه)
- ۱۰۱- حسین احمدی‌نیا
- ۱۰۲- موسی یوسفی
- ۱۰۳- محمود خاطری (یمینان)
- ۱۰۴- عزت قادری (آران)
- ۱۰۵- جمال مصری
- ۱۰۶- پروانه احمدی
- ۱۰۷- عبدالله کهنه‌پوشی (عبه شیخ عزیز)
- ۱۰۸- توفیق پیرخضری
- ۱۰۹- عزت دارابی

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

# متن مصاحبه رادیو اترناسیونال (بخش کردی)

## با عبدالله دارابی در بیستم ماه مه ۲۰۰۱

(در باره چگونگی

برخورد مردم به "مضحکه انتخابات")

**رادیو اترناسیونال** چنانچه شما اطلاع دارید هشتمین دور انتخابات ریاست جمهوری اسلامی در راه است و رژیم مدتی است برایش تلاش میکند و یکی از تلاش هایش در کردستان این است که سعی نموده بوسیله سخنرانی نمایندگان خود در مجلس، مردم را به پای صندوق های "انتخابات" بکشند ولی موفق نشده اند و با بی تفاوتی مردم به ویژه مردم سنج، رویه رو شده اند. علاوه بر آن رژیم، به منظور ایجاد فضای رعب و وحشت میان مردم تازگی دست به اعدام و بستن یک سری کافه اینترنت ها زده است. میخوایم بدانم فضای کردستان را چگونه میبینید و کلا مردم چگونه به مضحکه انتخابات برخورد میکنند؟

**عبدالله دارابی:** ابتدا به بخش اول سوال ها و سپس مشخص تر به موضوع کردستان میپردازم. رژیم، بخش اعظم تلاش تبلیغاتی و این بازار گرمی را که اسم "انتخابات" بر آن نهاده، به جناح دوم خردادی ها سپرده یا بهتر است بگویم دوم خردادی ها خودشان امر تبلیغ این مضحکه را تقبل نموده و با تمام توان خود در داخل و خارج و بویژه در کردستان، برای کشاندن مردم به پای صندوق های "رای"، از بیان هیچ دروغ و وعده های پوچی و بی پایه شرم نمیکنند. این دروغ پراکنی ها، هم برای هر دو جناح رژیم و هم رو به مردم، هدفهای مختلفی را تعقیب میکند. به نظر من اگر اکثریت مردم در این



روز با اعتراض به موجودیت رژیم، این نمایش را به تمسخر میگیرند و سعی میکنند روز انتخابات را به روز عتراض و نه گفتن به جمهوری اسلامی تبدیل کنند. در واقع به نظر من، قب از هر چیز این روز به معنای تشیع جنازه جناح دوم خرداد خواهد بود و کل حاکمیت رژیم را در اذهان عمومی جهان ضعیف تر و بی آبرو تر کرده و دور تازه ای از تعرض متحد و نیرومند مردم برای سرنگونی قطعی حکومت کثیف اسلامی ایران آغاز خواهد شد. در مورد فضای کردستان، همانطور که شما هم اشاره کردید معلوم است در کردستان هم فضای تبلیغاتی رژیم، مانند سایر نقاط ایران و خارج کشور، با شکست مواجه شده است. حتما اطلاع دارید که رژیم، در آستانه این نمایش انتخاباتی از طریق نمایندگان مزدور خود در مجلس به نام های بهالدین و جلال جلالی زاده، از طریق تلویزیون میدیا و روزنامه ها به تبلیغ برای انتخابات پرداخته اند. بها ادب گفته: "ما فراکسیون کردها برنامه کاندید های رئیس جمهوری را در مورد کردستان بررسی میکنیم سپس برنامه خودمان در مورد خواست های مردم مناطق کرد نشین نیز با آنان در میان میگذاریم." حین این صحبت ها به مردم کردستان هم فراخوان شرکت وسیع در انتخابات را داده است. انگار این مزدوران خود در گذشته هیچ کاره

بوده اند و امروز تازه به فکر "خواست مردم کرد" افتاده اند! به نظر من متوسل شدن این عوامل رژیم به عوامفریبی و دروغپردازی، اساسا ناشی از آن است که مردم کردستان هماهنگ با سایر مردم شهر های دیگر ایران، برای سرنگونی رژیم به خیابان ها آمده و با اعتراض و تظاهرات های خیابانی چند ماه اخیر خود به عموم نشان داده اند که رژیم را نمیخواهند و برای این مضحکه انتخاباتی هم نه تنها به خود "انتخابات" بلکه به کل موجودیت رژیم نیز نه خواهند گفت.

**رادیو اترناسیونال:** بطور مشخص احزاب و جریانات در کردستان چه میگویند؟ مشخصا حزب دمکرات، چرا تا حال در مورد "انتخابات" اعلام موضع نکرده است؟ **عبدالله دارابی:** کومه له بخش کردستان حزب کمونیست ایران، اعلام موضع کرده و شرکت در انتخابات را تحریم کرده اند. ولی حزب دمکرات تا امروز راجع به انتخابات سکوت کرده است که همین سکوت هم خودش معنای خاصی دارد و مردم هم آنرا میفهمند. مردم کردستان طی این ۲۲ سال، در مقابل سیاست های رژیم سیاست احزاب دیگر را آزمایش کرده و در این زمینه به خوبی به سیاست و تاکتیک های دمکرات نیز آشنا هستند. حزب دمکرات گر چه زیر نوشته هایش شعار بر رژیم را دارد اما در عالم واقع تا حال در هیچ "انتخاباتی" به صراحت به رژیم نه نگفته است و مدام چند ماه قبل از هر "انتخاباتی"، بمردم کردستان فراخوان شرکت فعال را داده است. این بار هم سکوت و انتظارش، از وضعیت نابسامان رژیم در برابر تعرض مردم معنا پیدا میکند نه چیز دیگری. چون وضعیت فعلی رژیم، حزب

دمکرات را در این زمینه دچار سرگیجه کرده و عملا زمانی اعلام موضع خواهد کرد که اگر تحریم را هم اعلام کند، بلحاظ زمانی ارزش مصرف تبلیغاتی

آنچنانی به ضرر رژیم نداشته باشد. این در واقع ناشی از دورنمای تاریکی است که در مقابل رژیم اسلامی قرار گرفته است.



## انتخابات؟؟؟!

عمر کریمی

در ایران انتخاباتی در جریان نیست و ادعای برگزاری انتخابات دروغ بزرگی است ایران نام گذاشته اند نوعی شعبده بازی و نمایشی دروغین است. این را هم رژیم و هم مردم بخوبی میدانند. جمهوری اسلامی تصمیم خود را گرفته است و به احتمال قوی با نمایش دروغین، خاتمی را به مقام رئیس جمهوری میرسانند که بتوانند شانس کوتاه جمهوری اسلامی را یک بار دیگر امتحان کنند، از طرف دیگر مردم هم به کمتر از سرنگونی رضایت نمیدهند. این حقیقت را هم رژیم و هم مردم بخوبی میدانند. اما نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، حزب اللهها و تعدادی بخاطر مصلحت هایی و تعدادی دیگر هم تحت فشار و ترس شاید در نمایش ۱۸ خرداد حضور یابند اما روشن است که اکثریت مردم در آن نمایش شرکت نمیکند. رای به جمهوری اسلامی رای به زندان، شکنجه، اعدام، اسارت، سنگسار، خونریزی و جنایت است. هر تک رای را که چه آگاهانه چه نا آگاهانه به صندوق ریخته میشود عملا به تداوم جنایتها کمک میکند و به رژیم مشروعیت میدهد. جمهوری اسلامی با خاتمی و بدون خاتمی جمهوری اسلامی است این را مردم بخوبی میدانند. جمهوری اسلامی را که ایران را به زندان تبدیل کرده و ۶۰